

متن پرسش

بسمه تعالی خواهش میکنم شما را به جان مادرتان حضرت فاطمه(س) برسد به دست معظم له خطاب به حضرت مهدی(عج): گر چه از دست و پا فتادستم عهد و پیمان خویش نشکستم گر چه عضوی نمانده در بدنم عضوی از عاشقان تو هستم یک نفس مانده در تنم آقا تا نفس هست با شما هستم بنده سرباز ولایت و امامت ولی عصر (عج) از شهرستان ساری این نامه را می نگارم. دانشجوی ترم سوم دانشگاه آزاد اسلامی هستم. هر چند این دانشگاه آزاد است ولی از اسلامی بودن آن هیچ خبری نیست. بر خلاف همه جا که پر شده از این حرف که آقایان مزاحم خانم ها می شوند، ولی در این دانشگاه دره ۸ درصد مواقع برعکس است، هر چند در جامعه هم همینطور است. در این دانشگاه دختر ها و پسر ها به دنبال موقعیت هستند که یا با هم صحبت کنند یا دست به اعمال خلاف شرع بزنند. بنده چون یک کمی از نظر مفهومی درس ها را بیشتر می فهمم دانشجویان به بنده پیشنهاد می دهند که به آنها درس بدهم و در قبال درس دادن بنده، آنها به جای دستمزد یک دختر فاحشه را برای من می آورند و با کمال بی ادبی می گویند که این تو و این دختر، هر کاری می خواهی بکن. حضرت آقا در این دانشگاه دختر ها و پسر ها برای خود کارت ویزیت درست کرده و شماره خود را بین همدیگر پخش می کنند. چند ماه پیش در خانه یکی از دوستان بودیم (هر چند به آن فرد دوست نمیتوان گفت) و مشغول سرگرمی و شوخی بودیم که دیدم دو خانم وارد اتاق شده و خود را برهنه کرده و و بنده با مشاهده این صحنه به بهانه دزدگیر ماشین از اتاق خارج شده و هنگام خروج با هجمه تمسخر آقایان مواجه شدم. همه جا بنده را به خاطر بسیجی بودن مسخره می کنند و بعضی اوقات هنگام نماز بنده را موقع رکوع و سجود تمسخر فیزیکی میکنند و باعث بطلان نماز می شوند. چرا راه دور برویم چند وقت پیش دختر خانمی به کنار بنده آمد و با کمال بی ادبی و صراحت می گوید که یک شارژ ایرنسل به او بدهم و خانم در قبال شارژ هر کاری که خواستم را انجام بدهد. (حتی زناع) الان در حدود ۳ ماه است که به دنبال راه حلی برای این مشکل هستم و به نظر بنده تنها راه آن ازدواج است. بنده جوانی هستم در اواخر ۱۹ سالگی. هم دانشجوی هستم و هم در بازار مشغول کاسبی هستم. از نظر مالی هیچ مشکلی ندارم. از نظر مسکن هیچ مشکلی ندارم (از خود یک واحد خانه دارم). بنده به دختر خانمی علاقه دارم ولی نمی توانم از روی حیاء برای پدرم این مسئله را بیان کنم. این طور که از حرف های پدر و مادرم بیان می شود آنها می گویند که تا زیر ۳۰ سالگی نباید ازدواج کنم. مگر رسول الله(ص) نمی گوید که هر کس ازدواج کند نصف دینش در امان است. مگر حضرت صادق (ع) نمی گوید که هر کس از ترس فقر ازدواج نکند به لطف خداوند بد گمان شده است.

البته بنده ازدواج را از دید جنسی نگاه نمی‌کنم بلکه ازدواج را یک امر الهی و سنت رسول الله (ص) می‌دانم. بنده معتقدم که کسانی که ازدواج را از دید جنسی نگاه می‌کنند انسان‌های کوتاه فکر هستند. ازدواج که فقط در بعد جنسی نیست بلکه انسان را وارد عرصه جدیدی می‌کند و باعث افزایش احساس محبت مسئولیت و امنیت می‌شود. از طرف دیگر بنده نمی‌خواهم با تاخیر در ازدواج باعث شوم که کاری کنم که با آبروی خانواده بازی شود. از ته دل واقعا دوست دارم که ازدواج کنم و تشکیل خانواده بدهم و دوست دارم که خودم را در این جامعه گرگ صفت حفظ کنم. حضرت آقا این نوشته‌ها چکیده اتفاقاتی بود که برایم افتاد. بنده از نظر مالی و مسکن مشکلی ندارم. به نظر حضرت عالی با این دلایل 'ازدواج بنده در این برهه زمانی کار خوبی است یا خیر؟ این نامه صرفا جهت مشورت با حضرت عالی بوده و بنده فقط منتظر جواب مدیر و مدیران جنابعالی هستم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: وقتی انسان از نظر مالی شرایط ازدواج را دارد و خطر به گناه افتادن برایش هست، لازم است ازدواج کند و بدون رودربایستی موضوع را با خانواده در میان بگذارد. موفق باشید

۱۳۶۱- سلام علیکم. استاد شما در کتاب "ادب عقل و خیال و قلب" فرمودید همه ابعاد خود را رشد دهید و یکی از این ابعاد را درس خواندن معرفی کردید بعنوان بعد تجربی و همچنین دوران دانشجویی را بهترین دوران برای بالفعل کردن بالقوه‌ها. در رشته مهندسی تحصیل میکنم و تمام تلاشم اینه که معارف دینی را هم در کنار درس کارکنم اما احساس میکنم خوندن این درس‌ها واقعا بیفایده ست و به نوعی نمیتواند مرا در "عالم دین نگه دارد. و اینکه اصلا محیط بگونه ای نیست که دانشجو‌ها بتوانند باهم معارف دین را کار کنند در این محیط که همه درگیر کثرت‌ها هستند و من نیز به نوعی چگونه از کثرت‌ها آزاد شویم؟ چگونه از این افکار که تمام ذهنم را درگیر کرده آزاد شوم و با یک هدف متعالی درس خواندن را ادامه دهم؟ با تشکر.